



A Different View on Teaching the Qur'an; Using a Communicative Approach in Second Language Teaching

Hassan Zarnousheh Farahani¹

Received: 08/01/2022

Accepted: 08/06/2022

Abstract

Second language teaching is based on different patterns, and by choosing each one, the teaching style and method change greatly as well. Now, if this second language is the language of the Qur'an, choosing a suitable pattern for teaching it is very necessary. The current methods of teaching the Qur'an are based on teaching writing skills (reading), which are similar to the "grammar and translation" method in teaching a second language. Due to the obsolescence of the method of "grammar and translation" and the replacement of the method of "communication", in addition to introducing the principles of the method of "communication", and considering the similarities between this method and the teaching style of the Prophet and the Imams, this paper suggests its use in teaching the Qur'an. The most important components of the "communication" method are "Emphasis on listening skills" and "Emphasis on the meaning and application of what has been learned in life", which is very similar to the main components of teaching the Qur'an in the lifestyle of the Prophet, that is, "teaching the Qur'an by listening-speaking method" and "meaning-centered and practicing the meanings of verses in life".

Keywords

Teaching the Qur'an, communication approach, listening skill, meaning-centered, practicing concepts.

1. Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University, Tehran, Iran. zarnoushe@sru.ac.ir.

* Zarnousheh Farahani, H. (1401 AP). A Different View on Teaching the Qur'an; Using a Communicative Approach in Second Language Teaching. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(11), pp. 100-119. DOI: 10.22081/JQSS.2022.62916.1160

نظرة مختلفة إلى تعليم القرآن، الاستفادة من منهج التواصل في تعليم اللغة الثانية

حسن زرنوشه فرحاني^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٢ / ٠٦ / ٠٨

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢ / ٠١ / ٠٨

الملخص

يتبع تدريس لغة ثانية أنماطاً مختلفة، وباختيار كل نمط، يتغير أسلوب التدريس أيضاً بشكل كبير. إذا كانت هذه اللغة الثانية هي لغة القرآن، فن الضروري للغاية اختيار نموذج مناسب لتدريسها. تعتمد الأساليب الحالية في تدريس القرآن على تعليم مهارات الكتابة (القراءة) التي تشبه طريقة "النحو والترجمة" في تدريس لغة ثانية. نظراً لمنسوخية نمط "النحو والترجمة" واستبدال نمط "الاتصال"، فإن هذه المقالة مع تقديم مبادئ نمط "الاتصال"، ونظراً إلى أن هذا النمط تشبه سيرة النبي والأئمة عليهم السلام التعليمية، تقترح استخدامه في تعليم القرآن. أهم مكونات نمط "الاتصال" هي: "التأكيد على مهارات الاستماع" و "التأكيد على محورية المعنى وتطبيق ما تم تعلمه في الحياة"، والتي تشبه إلى حد كبير المكونات الأساسية لتعليم القرآن في السيرة النبوية أعني "تعليم القرآن بطريقة الاستماع والقراءة" و "محورية المعنى والعمل على معاني الآيات في الحياة".

الكلمات الرئيسية

تعليم القرآن الكريم، نمط الاتصال، المهارة الاستماعية، محورية المعنى، العمل على المفاهيم.

١. أستاذ مساعد بقسم اللاهوت والمعارف الإسلامية، جامعة الشهيد رجائي لتربية المعلم، طهران، إيران.

zarnoshe@sru.ac.ir

* زرنوشه فراهاني، حسن. (٢٠٢٢). نظرة مختلفة إلى تعليم القرآن، الاستفادة من منهج التواصل في تعليم اللغة الثانية. فصلية علمية ترويجية لدراسات علوم القرآن، ٤(١١)، صص ١٠٠ - ١١٩. DOI: 10.22081/QSS.2022.62916.1160.119

نگاهی متفاوت به آموزش قرآن؛ بهره‌گیری از رویکرد ارتباطی در آموزش زبان دوم

حسن زرنوشه فراهانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

چکیده

آموزش زبان دوم تابع الگوهای مختلفی است که با انتخاب هر کدام، سبک و اسلوب آموزشی نیز تا حد زیادی تغییر می‌کند. حال اگر این زبان دوم، زبان قرآن باشد، انتخاب الگوی مناسب برای آموزش آن، بسیار ضروری می‌نماید. شیوه‌های کنونی آموزش قرآن مبتنی بر آموزش مهارت‌های نوشتاری (روخوانی) است که شبیه روش «دستور زبان و ترجمه» در آموزش زبان دوم است. با توجه به منسوخ شدن روش «دستور زبان و ترجمه» و جایگزین شدن روش «ارتباطی»، این مقاله ضمن معرفی اصول روش «ارتباطی»، با توجه به شباهت‌هایی که این روش با سیره تعلیمی پیامبر و امامان علیهم‌السلام دارد، کاربردی آن را در آموزش قرآن پیشنهاد می‌کند. مهم‌ترین مؤلفه‌های روش «ارتباطی» عبارت‌اند از: تأکید بر مهارت شنیداری و «تأکید بر معنامحوری و کاربردی آموزخته‌ها در زندگی» که شباهتی تام با مؤلفه‌های اصلی آموزش قرآن در سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یعنی «آموزش قرآن به روش شنیداری - گفتاری» و «معنامحوری و عمل به مفاهیم آیات در زندگی» دارد.

کلیدواژه‌ها

آموزش قرآن، رویکرد ارتباطی، مهارت شنیداری، معنامحوری، عمل به مفاهیم.

۱. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. تهران. ایران. zarnoshe@sru.ac.ir

* زرنوشه فراهانی، حسن. (۱۴۰۱). نگاهی متفاوت به آموزش قرآن؛ بهره‌گیری از رویکرد ارتباطی در آموزش زبان دوم. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم و قرآن، ۴(۱۱)، صص ۱۰۰-۱۱۹. DOI: 10.22081/JQSS.2022.62916.1160

مقدمه و طرح مسئله

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در همه سطوح آموزشی و غیرآموزشی آموزش قرآن رشد چشمگیری پیدا کرد؛ البته بیشتر این آموزش‌ها در فرم و محتوا شبیه یکدیگر بودند، به این صورت که در سطوح مختلفی با عناوین روخوانی، روان‌خوانی، فصیح‌خوانی، تجوید مقدماتی، تجوید پیشرفته و صوت و لحن، مطالبی را به قرآن‌آموزان آموزش می‌دادند، یا اینکه افرادی را که توانایی صوتی کمتر یا حافظه‌ای بهتر و علاقه‌ای بیشتر داشتند، به سوی حفظ قرآن سوق می‌دادند. نتیجه این تلاش‌ها را بدون تردید می‌توانیم در رشد چند هزار برابری قاریان و حافظان قرآن کشورمان نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و موفقیت‌های متعددی که ایشان در مسابقات بین‌المللی قرآن کسب کرده‌اند، شاهد باشیم؛ اما این پرسش‌ها مطرح است:

○ آیا چنین روش‌ها و رویکردهایی به واقع مناسب‌ترین روش‌ها و رویکردهای آموزش قرآن است؟

○ آیا آموزش قرآن در کشور ما از بهترین الگوی آموزشی پیروی کرده است؟

○ آیا کمال مطلوب آموزش قرآن، تنها تربیت نخبگانی در زمینه قرائت و حفظ قرآن است؟

○ چنین روش‌ها و رویکردهایی تا چه اندازه در تربیت قرآنی جامعه به معنای واقعی کلمه مؤثر بوده است؟

با نگاهی کلی به فضای آموزشی و فضای عمومی جامعه، به نظر می‌رسد ما نه تنها در آموزش قرآن شیوه مطلوبی را در پیش نگرفته‌ایم، بلکه هنوز نتوانسته‌ایم ضرورت انس با قرآن را برای عموم مردم تبیین کنیم و نگاه بیشتر مردم به قرآن، همان نگاه قدیمی است که قرآن را ابزار ثواب می‌داند: قرآن بخوان و برای خود ثواب جمع کن؛ درحالی که اگر گوش دلمان را باز کنیم ندای قرآن را می‌شنویم که با طینتی روح‌انگیز خود را موعظه، شفاء، هدایت و رحمت معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ؛ ای مردم به یقین برای شما پند و اندرز از جانب پروردگارتان آمده (کتابی که سراپا پند و اندرز است) و شفایی برای آنچه در سینه‌ها

است (از عقاید فاسده و صفات رذیله)، و هدایت و رحمتی برای مؤمنان» (بونس، ۵۷). بی‌شک عوامل متعددی در مهجوریت کنونی قرآن دخیل بوده‌اند که این مقاله به دنبال واکاوی آنها نیست؛ اما قطعاً می‌توان یکی از ریشه‌های مهجوریت قرآن را در شیوه آموزش آن جستجو کرد؛ در شیوه مرسوم آموزش قرآن، مقدمات و پیش‌نیازهایی برای آموختن قرآن تعریف شده که به عقیده نگارنده، بسیاری از آنها ضرورت ندارد؛ البته اگر این مطالب تنها به‌عنوان مقدمه مطرح می‌شد و سریع از آنها گذر می‌شد، چندان جای نگرانی نبود؛ اما متأسفانه باید گفت این مقدمات - که در مقدمه‌بودن آنها نیز تردید است - چنان مخاطب را گرفتار می‌کند که او هیچ‌گاه به آموختن خود قرآن نمی‌رسد. چه بسیار در مؤسسات و جلسات آموزش قرآن شاهد بوده و هستیم که علاقه‌مندان به قرآن را چنان در آموختن علائم نوشتاری و مباحث تجویدی و تنغیمی یا حتی صرف و نحوی متوقف می‌کنند که گویی هدف نهایی آموزش قرآن، نوشتن یا زیباخواندن آن یا تسلط بر صرف و نحو عربی است؛ درحالی که در سیره نبوی، نخست خود قرآن، بی‌هیچ پیرایه‌ای آموزش داده می‌شود تا آیات و سوره‌ها در قلب و زبان قرآن‌آموزان جاری و تثبیت گردد؛ سپس وقتی افراد به قرآن رسیدند، مطابق سلیقه خود به هریک از آن حوزه‌ها و کلاس‌ها که گرایش داشته باشند، وارد می‌شوند و آنها را نیز فرا می‌گیرند. موفقیت‌های چشمگیر صدر اسلام در امر تعلیم و ترویج قرآن در گرو همین نکته اساسی است که آموزش قرآن بر پایه آموزش زبان آن قرار داشته باشد (ر.ک: رجیبی قدسی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۹).

با توجه به آنچه بیان شد بازنگری در روش‌ها و رویکردهای آموزش قرآن ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا می‌توان آموزش قرآن را به‌مثابه آموزش زبان دوم در نظر گرفت، و در نتیجه از الگوهای آموزش زبان بهره برد؛ پس مقاله حاضر، با هدف معرفی روش «ارتباطی» در آموزش زبان دوم که روشی نسبتاً جدید و موفق است، و تبیین چگونگی بهره‌گیری از آن در آموزش قرآن کریم، پرسش‌های ذیل را محور کار خود قرار داده است:

۱. روش «ارتباطی» در آموزش زبان دوم چیست و مهم‌ترین مؤلفه‌های آن کدام است؟

۲. سیره پیامبر ﷺ در قرآن چگونه بوده است و چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با روش «ارتباطی» در آموزش زبان دوم دارد؟

بدین منظور در این مقاله، ابتدا روش‌های آموزش زبان دوم معرفی می‌شوند و با تبیین نقاط قوت و ضعف و مؤلفه‌های هر یک از آنها، کارآمدی روش «ارتباطی» نسبت به دیگر روش‌ها روشن می‌گردد؛ سپس با عرضه کردن این روش بر سیره تعلیمی پیامبر ﷺ و مشخص شدن شباهت‌های فراوان آن دو، بهره‌گیری از این روش در آموزش قرآن کریم پیشنهاد می‌گردد.

قابل ذکر است طبق جستجوهای صورت گرفته، تا به حال پژوهشی با عنوان «مطالعه روش‌های آموزش زبان دوم به منظور بهره‌گیری از آنها در آموزش قرآن» صورت نگرفته است؛ ولی مقالاتی همسو با این عنوان وجود دارد از جمله: «آموزش و ترویج قرآن در سیره پیامبر ﷺ» نوشته سیدمهدی سلطانی رنانی (بینات، ۱۳۸۵، شماره ۵۲)؛ «تحلیل روش‌های آموزش قرآن با تأکید بر سیره پیامبر ﷺ و اهل البیت (علیهم‌السلام)» نوشته محمدرضا شهیدی پور و باقر ایلیا رضوی (مطالعات قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ - شماره ۱۳) و «شیوه‌های ترویج قرآن کریم در سیره نبوی» محسن رجبی (مجله مشکوة، ۱۳۸۷، شماره ۸۷).

۱. آشنایی با روش‌های آموزش زبان دوم

در آموزش زبان دوم دو روش عمده وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) روش دستور زبان و ترجمه^۱ که روش سنتی و مرسوم آموزش زبان است.

ب) روش ارتباطی^۲ که روشی نسبتاً جدید است.

در روش دستور زبان و ترجمه به آموزش دستور زبان، حفظ کردن لغات و ترجمه متون پرداخته می‌شود؛ ولی در روش ارتباطی به زبان به‌عنوان وسیله‌ای جهت ایجاد ارتباط نگریسته شده، جنبه‌های شنیداری و گفتاری آن بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد،

1. grammer-translation.

2. Communicative.

و از آموزش مستقیم دستور زبان و ترجمه و استفاده از زبان اول فراگیران حتی الامکان پرهیز می‌شود.

پژوهش‌هایی به منظور مقایسه و تعیین میزان اثرگذاری این دو روش صورت گرفته که همگی آنها از یک سو ایراداتی را متوجه روش دستور زبان و ترجمه دانسته، و از سوی دیگر بر کارآمد بودن روش ارتباطی در آموزش زبان تأکید دارند.

از جمله ایرادات وارد بر روش دستور زبان و ترجمه، آن است که این روش نمی‌تواند توانایی ارتباطی دانش‌آموزان را تقویت نماید (Brown, 1994, p. 25).

حتی برخی معتقدند این روش می‌تواند تأثیرات منفی بر یادگیری زبان داشته باشد (Cunningham, 2000, p. 3)؛ زیرا تأکید بر ترجمه و دستور می‌تواند به کاهش توانایی‌های شفاهی و گفتاری منجر شود (Kong, 2011, p. 77).

با توجه به ایرادات وارد بر روش دستور زبان و ترجمه، دانشمندان در دهه‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا روش ارتباطی را جایگزین روش پیشین کنند؛ برای مثال هایمز معتقد است زبان باید در موقعیت‌های ارتباطی و برای دستیابی به توانمندی ارتباطی^۱ آموزش داده شود (Richards, 2006, p. 12) که در این راستا، یادگیری زبان فراتر از تسلط بر ترجمه و ساختارهای دستوری، و توانایی برای درک معنا و اظهار آن لحاظ می‌شود (Chang, 2011, p. 18).

رویکرد ارتباطی در آموزش زبان، با هدف ایجاد و ارتقای توانمندی ارتباطی در فراگیران و توسعه فرایندهای آموزش چهار مهارت زبانی (listening, speaking, reading, writing) شکل گرفته و بر ادغام مهارت‌های زبانی تأکید دارد (Howatt, 1984, p. 23). این مهارت‌ها عبارت‌اند از: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن که در این میان دو مهارت گوش دادن و صحبت کردن را «ارکان سمعی» یا «ارکان اولیه» و مهارت‌های خواندن و نوشتن را «ارکان بصری» یا «ارکان ثانویه» می‌گویند (ناعمی، ۱۳۹۲، ص ۴۰).

در رویکرد ارتباطی، یادگیری و آموزش در خدمت ارتباط هستند؛ زیرا زبان همیشه

در بستری اجتماعی استفاده می‌شود و نمی‌توان ساختارهای زبانی را از بستر ارتباطی آن جدا کرد.

از آنجا که روش‌های مرسوم آموزش قرآن تقریباً شبیه روش دستور زبان و ترجمه است، در این مقاله قصد داریم با معرفی اصول روش ارتباطی در آموزش زبان، بررسی کنیم که آیا می‌توان از این روش در آموزش قرآن نیز بهره برد یا خیر؟

۲. اصول روش ارتباطی در آموزش زبان دوم

بر اساس نظر لارسن فریمن (Larsen-Freeman, 1986, p. 85) بارزترین ویژگی روش ارتباطی این است که همه ارکان آموزشی، رویکرد ارتباطی دارند و فعالیت‌ها باید در راستای ایجاد فرصت برای تمرین معنادار در زمینه‌های معنایی باشند. این رویکرد به دنبال اهداف زیر است (Richards, 2006, p. 53):

- تمرکز بر ارتباط در یادگیری زبان؛
- ایجاد فرصت برای ارتباط، تعامل، مذاکره و مباحثه معنایی از طریق فعالیت‌هایی چون به اشتراک گذاری اطلاعات،^۱ مهارت حل مسئله^۲ و ایفای نقش؛^۳
- ایجاد فرصت برای تجربه و آزمودن آموخته‌ها؛
- ایجاد فرصت برای تقویت درستی^۴ و روانی^۵ کلام؛
- ارتباط دادن و ادغام دستور در تکالیف ارتباطی؛
- شخصی‌سازی فرایند یادگیری با بهره‌گیری از تجربیات روزمره فراگیران؛
- در نظر گرفتن خطاهای فراگیران به‌عنوان علائم طبیعی یادگیری؛
- ترغیب فراگیران به کشف قوانین و دستورات زبانی.

1. information sharing.

2. problem-solving.

3. role play

4. accuracy

5. fluency

درواقع رویکرد ارتباطی می‌کوشد تا فراگیران را قادر سازد به کمک مشارکت فعال و تعامل معنادار در محیط یادگیری، به تدریج به استقلال در یادگیری^۱ دست یابند. رویکرد ارتباطی با توجه به تفاوت‌های فردی فراگیران و توجه به تجربیات مرتبط با حوزه یادگیری، به دنبال تأثیرگذاری طولانی‌مدت است. در این رویکرد، ماهیت اجتماعی یادگیری در قالب ارائه فعالیت‌های متنوع دوفره یا گروهی و ایجاد حس مشارکت مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان، معلم، نقش تسهیل‌گر را در تعامل‌ها و مشارکت میان فراگیران ایفا می‌کند.

۱-۲. تأکید روش ارتباطی بر مهارت شنیداری، معنامحوری و کاربردی‌آموزی‌ها در زندگی

در روش ارتباطی، به دو موضوع «مهارت شنیداری» و «معنامحوری و کاربردی‌آموزی‌ها در زندگی» توجه ویژه‌ای شده است.

روش ارتباطی با تأکید بر ادغام و رشد همه مهارت‌های زبانی، باعث شد تا مهارت شنیداری که پیش از این به‌عنوان ابزاری برای تقویت مهارت‌های دیگر در نظر گرفته می‌شد، به‌عنوان هدفی آموزشی تعریف و به‌عنوان پیش‌شرط توانمندی در مهارت‌های دیگر مانند صحبت کردن و خواندن و نوشتن محسوب شود (Nunan, 2002, p. 37).

یکی از رویکردهای طرح‌شده در مورد مهارت شنیداری، شنیدن را فرایند رمزگشایی آواها از کوچک‌ترین (واج) تا بزرگ‌ترین (متن) رکن تعریف می‌کند که به‌واسطه درک معنا در مرحله نهایی تکمیل می‌شود (یعنی رویکرد جزء به کل (bottom-up) دارد)؛ رویکردی دیگر مهارت شنیداری را فرایندی می‌داند که در آن زبان‌آموز، آواها را به‌عنوان سرنخ‌هایی برای درک و ایجاد معنا در حین گوش‌دادن به کار می‌گیرد (و درک از معنای کلی به سمت درک جزئیات (top-down) پیش می‌رود). هدف از انجام تکلیف یا فعالیت شنیداری، انتخاب یکی از دو رویکرد بالا را ممکن می‌سازد. در آموزش قرآن، به نظر می‌رسد ترکیبی از دو رویکرد مطلوب باشد که موسوم به رویکرد

1. learning autonomy

تعاملی^۱ است. همچنین با آگاه‌سازی آنها از هدف خود و به‌کارگیری مفاهیم در زندگی، فعالیت شنیداری برای فراگیران معنادارتر خواهد بود.

از آنجاکه در روش تدریس مهارت شنیداری، یکی از مهم‌ترین عوامل، بالابردن سطح آگاهی فراگیران از فرایندهای زیربنایی یادگیری است تا حس مسئولیت آنها نسبت به یادگیری و مشارکت در آن تقویت شود، این امر، اتخاذ رویکرد فراگیرمحور^۲ را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. با فراگیری مهارت‌ها و راهبردهای^۳ شنیداری مؤثر، فرصت برای تمرکز و یادگیری زبان‌آموزان فراهم می‌شود. از جمله این راهبردها شنیدن انتخابی،^۴ شنیدن با اهداف مختلف،^۵ پیش‌بینی،^۶ ساختارسازی پیش‌رونده،^۷ برداشت از متن،^۸ و فردی‌سازی^۹ است.

در این راهبردها به فراگیر کمک می‌شود تا با سرنخ‌های معنایی، تلاش کند محتوای فایل شنیداری را پیش‌بینی کند و حدس بزند یا با گوش کردن به فایل صوتی به‌مرور بتواند محتوای آن را در ذهن خود پیروراند. همچنین فراگیر باید بتواند با حدس زدن و استفاده از سرنخ‌های معنایی، معنای ضمنی موجود در محتوای شنیداری را درک کند. علاوه بر این، با ارتباط دادن محتوای شنیداری به تجربیات شخصی خود در زندگی بتواند محتوای شنیداری را به‌صورت بهتر و مؤثرتر درک کند.

همچنین ایجاد طرح‌واره مناسب^{۱۰} پیش از آغاز تمرین‌های شنیداری اصلی می‌تواند به درک بهتر و مؤثرتر محتوا کمک کند (Nunan, 2002, p. 57).

1. Interactive.
2. learner-centered.
3. Strategies.
4. selective listening.
5. listening for different purposes.
6. Predicting.
7. progressive structuring.
8. Inferencing.
9. Personalizing.
10. Schemata.

ایجاد طرح‌واره یعنی با استفاده از تجربیات آشنا و دانش پیش‌زمینه‌ای موجود در ذهن فراگیران، توانایی پیش‌بینی محتوا را در آنها تقویت کرد.

وندرگرفت (Vandergrift, 1999, p. 169) نیز در مقاله خود به نیاز به توجه بیشتر به مهارت شنیداری تأکید و با توجه به نقش حیاتی درون‌داد^۱ آن را رکن مهم در آموزش و یادگیری زبان معرفی می‌کند. بدین منظور، با مواجهه‌ساختن فراگیران با انبوهی از محتوای شنیداری، می‌توان درون‌داد قابل فهم و مناسبی را برای یادگیری زبان برای آنها فراهم آورد.

مهارت شنیداری به تسهیل یادگیری زبان کمک می‌کند و توجه به آن در مراحل اولیه می‌تواند از چهار منظر، تسهیل‌گر تلقی شود:

الف) از منظر ذهنی: تأکید بر مهارت شنیداری، شیوه طبیعی یادگیری زبان است؛ ترغیب فراگیران به صحبت کردن و تولید محتوا پیش از ایجاد آمادگی از طریق مهارت شنیداری می‌تواند باعث افزایش بار ذهنی^۳ شود و بستر لازم برای درک مطلب و پیام‌های معنادار زبانی را به خوبی فراهم نیاورد.

ب) از منظر کارآمدی: آموزش مهارت شنیداری پیش از مهارت‌های دیگر می‌تواند مفید واقع شود؛ زیرا مهارت شنیداری، فراگیران را با مدل‌های خوب مانند فایل‌های صوتی و معلم مواجه می‌سازد و باعث می‌شود فراگیران از زمان خود بهترین و بیشترین بهره را ببرند.

ج) از منظر کاربردی: مهارت شنیداری از پرکاربردترین مهارت‌های زبانی است که در زندگی روزمره و یادگیری زبان استفاده می‌شود.

د) از منظر روانی: تقویت مهارت شنیداری و به تأخیرانداختن تولید شفاهی محتوا

-
1. Input.
 2. Cognitive.
 3. Cognitive overload.
 4. Efficiency.
 5. Utility.
 6. Psychological.

باعث می‌شود تا فراگیر با اعتماد به نفس حاصل از مراحل اولیه یادگیری (با تأکید بر مهارت شنیداری) وارد مرحله‌های بعدی یادگیری یعنی صحبت کردن و خواندن و نوشتن شود؛ در واقع تسلط بر مهارت شنیداری باعث ایجاد احساس موفقیت می‌شود و انگیزه ادامه یادگیری را در میان فراگیران افزایش می‌دهد (Gary, 1975, p. 76).

۳. شباهت اصول آموزش قرآن در سیره نبوی با اصول روش ارتباطی در آموزش زبان

در آموزه‌های دین مبین اسلام گزاره‌های متعددی وجود دارد که شیوه تعلیم و ترویج قرآن توسط پیامبر اکرم و ائمه مصومان علیهم‌السلام را به روشنی تبیین می‌کنند. بررسی و تحلیل این آموزه‌ها بیانگر شباهت‌هایی است که میان آنها، و اصول روش ارتباطی در آموزش زبان وجود دارد.

همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد، در روش ارتباطی دو موضوع از اهمیت قابل توجهی برخوردارند: یکی مهارت شنیداری و دیگری تأکید بر معنامحوری و کاربریست. آموزه‌ها در زندگی که در سیره آموزش قرآن پیامبر و ائمه علیهم‌السلام نیز بر این دو موضوع تأکید ویژه شده است.

۳-۱. آموزش قرآن به روش شنیداری - گفتاری

آموزش قرآن از سوی خداوند بر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به روش «إقراء» بوده است: «سُنِّقِرُكَ فَلَا تَنْسَى؛ به زودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و فراموش نمی‌کنی» (اعلی، ۶). قرآن در تبیین معنای «إقراء» می‌فرماید: «فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ؛ و هنگامی که آن را می‌خوانیم، پس از خواندن آن پیروی کن» (قیامت، ۱۸). ابن عباس در تفسیر این آیه می‌گوید: «فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا أَتَاهُ جَبْرِيلُ اسْتَمَعَ، فَإِذَا انْطَلَقَ قَرَأَهُ كَمَا أَقْرَأَهُ؛ هنگامی که جبرئیل نزد پیامبر می‌آمد، پیامبر استماع می‌کرد؛ سپس همان‌گونه که جبرئیل بر او خوانده بود، می‌خواند» (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۲۰۸؛ نسائی، ۱۹۳۰، ج ۲، ص ۱۵۰).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز در مقام آموزش قرآن به مردم، از روش «إقراء» پیروی می‌کرد. تعابیر «أَقْرَأْتَنِي، أَقْرَأْتَنِي، أَقْرَأْتَنِي، أَمِيعُهُمْ و...» (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۴، صص ۱۵۵ و ۱۵۹؛

مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۳۴؛ ترمذی، ۱۹۸۳م، ج ۱، ص ۹۸؛ حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۹) که در روایات متعدد به کار رفته، بر روش تعلیم قرآن توسط پیامبر اکرم ﷺ دلالت دارد. برای نمونه در روایتی، پیامبر ﷺ می فرمایند: «استقروا القرآن من أربعة...» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۲۱۳) که با دقت در مضمون این روایت، نکات ذیل از آن به دست می آید:

۱. پیامبر اصحاب خود را به «استقراء» از اهل قرائت امر می فرماید؛ بدین معنا که مسلمانان موظف بوده‌اند اولاً اهل قرائت را تشخیص دهند و ثانیاً از آنان درخواست قرائت کنند.

۲. از تعبیر «من أربعة» برمی آید که «إقراء» دارای شرایط ویژه‌ای است که هر کس توانایی آن را ندارد.

۳. تعبیر «استقراء» نشان می دهد آموزش قرآن مسئله‌ای اجباری و تحمیلی نیست؛ زیرا لازمه اقرء معلم، استقرای قرآن آموز است.

نکته مهمی که از تعبیر «اقرء» دریافت می شود، ابتدای این روش بر «آموزش سمعی» است، و باید گفت که آموزش قرآن در مکتب پیامبر ﷺ، به روش سمعی صورت می گرفته است. به این معنا که ماهیت و ساختار اصلی آموزش قرآن «شنیدن و تکرار پس از شنیدن» است. قرآن آموز هر چه را که می خواهد بیاموزد، ابتدا و پیش از آن که با نوشته آن روبرو شود، بارها می شنود و تکرار می کند و این شنیدن و تکرار تا آنجا ادامه می یابد که آیات مورد نظر در قلب او جای بگیرند (خوش منش، ۱۳۸۹، صص ۲۰-۲۱).

از جمله قرائن این مسئله، روایتی است که حضرت علی رضی الله عنه در آن به روش آموزش خود نزد پیامبر اکرم ﷺ اشاره کرده، می فرماید: «مَا نَزَلَتْ عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَ بِهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ وَ أَكْتُبُهَا بِحَطِّي...» هیچ آیه‌ای از قرآن بر پیامبر نازل نمی شد، مگر اینکه ابتدا آن را بر من اقرء می کرد و سپس آن را املاء می نمود و من با خط خود می نوشتم...» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۱۸).

بنابر این روایت آموزش قرآن از سوی پیامبر ﷺ در دو مرحله مجزای اقرء و املاء انجام می گرفته که این نشان می دهد اقرء ماهیتی غیر از املا و نسخه مکتوب دارد.

عبدالله بن مسعود نیز می گوید: «قَرَأْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ سَبْعِينَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ أَخَذْتُهَا مِنْ فِيهِ... وَ قَرَأْتُ سَائِرَ أَوْ قَالَ بَقِيَّةَ الْقُرْآنِ عَلَى خَيْرِ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ أَقْضَاهُمْ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۷۳).

تعبیر «أَخَذْتُهَا مِنْ فِيهِ» دلالت دارد که ابن مسعود قرآن را از طریق دهان و لب‌های مبارک پیامبر اکرم ﷺ استماع کرده و آموخته است، نه از طریق نسخه مکتوب.

زرقانی درباره شیوه آموزش قرآن پیامبر ﷺ می نویسد: «يَبْعَثُ إِلَى مَنْ كَانَ بَعِيدَ الدَّارِ مِنْهُمْ مَنْ يُعَلِّمُهُمْ وَيُقَرِّئُهُمْ، كَمَا بَعَثَ مُصْعَبَ بْنَ عَمِيرٍ وَ ابْنَ أُمِّ مَكْتُومٍ إِلَى أَهْلِ الْمَدِينَةِ قَبْلَ هِجْرَتِهِ، يُعَلِّمَانِهِمُ الْإِسْلَامَ، وَ يُقْرِءُهُمُ الْقُرْآنَ، وَ كَمَا أَرْسَلَ مَعَاذَ بْنَ جَبَلٍ إِلَى مَكَّةَ بَعْدَ هِجْرَتِهِ لِلتَّحْفِيزِ وَ الْإِقْرَاءِ؛ رَسُولُ خَدَاءِ ﷺ لِبرای آنان که در مناطق دیگر زندگی می کردند معلمانی گسیل می داشت تا قرآن را به آنان بیاموزند و برای آنان بخوانند؛ چنان که قبل از هجرت مصعب بن عمیر و ابن ام مکتوم را به مدینه فرستاد تا اسلام را بدینان تعلیم دهند و قرآن را بیاموزانند یا معاذ بن جبل را پس از هجرت برای حفظ و تعلیم قرائت قرآن به مکه فرستاد» (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۴).

بنابراین به این نتیجه می رسیم «اقراء» که شیوه آموزش قرآن پیامبر است، مبتنی بر «نظام آموزش سمعی» است. در این شیوه، «شنیدن و تکرار کردن» به عنوان یک اصل مهم مقدم بر «دیدن و خواندن» است و «گوش و زبان» در آن نقش محوری دارند، به گونه ای که چشم می تواند اصلاً به کار نرود یا به نوبت پس از گوش و زبان به ابزار آموزش قرآن اضافه شود.

اقراء سیستمی را به همراه خود دارد که اجرای آن در آموزش قرآن به معنای اجرای نظام آموزش سمعی است. در اقرء، معلم آیات را بر متعلم می خواند: «... يَتْلُوَا عَلَيَّهِمْ آيَاتِهِ...» (جمعه، ۲) و متعلم پس از استماع هر فراز قرآنی، آن را عیناً تکرار می کند: «... فَأَتْبَعُ قُرْآنَهُ...» (قیامت، ۱۸) و این جریان آیات الهی از زبان معلم به گوش متعلم، و سپس جریان همان آیات بر زبان متعلم و بازگشت آن به گوش معلم تا آنجا ادامه می یابد که آیات مورد نظر از قلب معلم به واسطه گوش متعلم به قلب او منتقل می شوند و متعلم نیز مانند معلم حامل همان آیات کریمه می شود.

به‌طور مثال برای آموزش سوره توحید، کافی است معلم آیات این سوره را تک‌تک، شمرده‌شمرده و آرام برای متعلم بخواند و او پس از شنیدن هر آیه همان را تکرار کند و این خواندن و شنیدن و تکرار به‌قدری ادامه یابد که متعلم نیز بتواند این آیات را حداقل به همراه معلم به‌راحتی زمزمه کند یا آنها را بخواند.

در سیره نبوی همین انتقال آیات از قلب معلم به قلب متعلم که به‌واسطه شنیدن و تکرار انجام می‌شود، آموزش قرآن شمرده می‌شد و حتی تا یکی دو قرن بعد، آموزش قرآن از طریق روخوانی خلاف عرف اهل قرآن تلقی می‌شد؛ چنان‌که گویا نخستین کسی که آموزش قرآن از طریق روخوانی را ابتکار کرده حمزه بن الزیات از قراء سبعه بوده است (ر.ک: ابن جزری، ۱۳۵۱ق، ج ۱، صص ۲۶۱-۲۶۳).

متأسفانه باید گفت نقطه شروع آموزش قرآن در کشور ما نیز روخوانی قرآن است؛ یعنی به جای «گوش و زبان»، از «چشم و زبان» در آموزش قرآن استفاده می‌شود و چه‌بسا یکی از مهم‌ترین عوامل مهجوریت قرآن، همین شیوه نامطلوب آموزش آن باشد که هم برخلاف روش پیامبر و امامان علیهم‌السلام است و هم با دستاوردهای نوین علمی در آموزش زبان متعارض است.

در روش روخوانی، به جای آموزش قرآن، نوعی مهارت تبدیل نشانه‌های نوشتاری به صدا آموزش داده می‌شود و چون شخص هرچه را ابتدا آموزش دید، اصل قرار می‌دهد و بقیه را فرع، بنابراین وقتی فردی توانست به‌خوبی مهارت روخوانی را به‌کار گیرد، تدبر و مسائل مهم دیگر را که بعدها به او آموزش داده می‌شود، اضافه بر اصل و فرعی می‌انگارد و آنها را رد می‌کند یا دست‌کم رغبت جدی به آنها نشان نمی‌دهد (رجبی قدسی، ۱۳۹۱، ص ۳۴)؛ بنابراین ضروری است که روش‌های کنونی و رایج آموزش قرآن مورد بازنگری جدی قرار گیرند، و روش سمعی جایگاه اصلی خود را باز یابد و جایگزین روش بصری گردد.

۲-۳. معنامحوری و کاربست آموخته‌ها در زندگی

با توجه به آیه ۲ سوره جمعه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

وَيُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ او است که در میان امیان (مردم مکه که غالباً بی سواد بودند) فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها تلاوت می‌نماید و آنها را (از پلیدی‌های عقیدتی و اخلاقی و عملی) پاکیزه می‌کند و به آنها کتاب (آسمانی) و معارف دینی و عقلی می‌آموزد و حقیقت این است که آنها پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند». تعلیم قرآن توسط پیامبر، از تعلیم عمل به آن، که لازمه‌اش فهم آیات است، جدا نیست و در سیره آموزشی پیامبر، تفکیک الفاظ قرآن از مفاهیم آن جایگاهی نداشته است. کیفیت «إقراء» پیامبر نیز این مطلب را به روشنی تبیین می‌کند؛ ابو عبد الرحمن سلمی می‌گوید: «حَدَّثَنَا مَنْ كَانَ يُقْرَأُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَنْ هُمْ كَانُوا يَأْخُذُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ عَشْرَ آيَاتٍ فَلَا يَأْخُذُونَ فِي الْعُشْرِ الْآخِرِ حَتَّى يَغْلَمُوا مَا فِي هَذِهِ مِنَ الْعِلْمِ وَالْعَمَلِ؛ کسانی که خدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده، از ایشان قرائت فرا گرفته بودند، برای ما بیان کردند که اصحاب ده آیه از آن حضرت فرامی‌گرفتند و تا آن ده آیه را به مرحله علم و عمل نمی‌رسانند، سراغ ده آیه بعد نمی‌رفتند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۱۰۶). طبق این روایت، اصحاب پیامبر، ده آیه قرآن را که از ایشان می‌آموختند، تا زمانی که علم و عمل موجود در آن ده آیه را فرامی‌گرفتند، به سراغ ده آیه دیگر نمی‌رفتند.

بنابراین آموختن قرآن همراه با فهم و درک معانی آیات و تلاش برای به کار بستن آن مفاهیم در زندگی فردی و اجتماعی بوده است و قرائت بدون تدبر طبق روایات معصومان علیهم‌السلام تهی از خیر معرفی شده است؛ امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «... لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَا تَدَبَّرُ فِيهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۷۵)؛ امام صادق علیه‌السلام نیز هنگام تلاوت قرآن این گونه دعا می‌فرمود: «... وَ لَا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدَبَّرُ فِيهَا بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ...» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۴۱).

به‌رغم وجود این رهنمودها و توصیه‌ها از سوی معصومان علیهم‌السلام اما شیوه کنونی آموزش قرآن در کشور به گونه‌ای است که در آن توجه چندانی به معانی و مفاهیم قرآن نمی‌شود. این بی‌توجهی چنان طبیعی گشته که یک فرد حتی می‌تواند حافظ کل قرآن کریم یا قاری ممتاز قرآن یا حتی استادی در یکی از رشته‌های مرتبط با علوم

قرآنی گردد، بی‌آنکه تسلطی نسبی بر معانی آیات داشته باشد و این به دلیل شیوه ناصحیح آموزش قرآن است که خواندن قرآن را یک مقوله می‌داند و دانستن معانی آن را مقوله‌ای دیگر و دقیقاً همین طرز تفکر است که کلاس‌های مفاهیم قرآن را جدای از کلاس‌های خواندن قرآن تعریف می‌کند و این مخاطب است که باید میان قرآن‌خوانی و قرآن‌دانی یکی را برگزیند! درحالی‌که بنابر آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام تدبر و قرائت قرآن جدای از یکدیگر نیستند که انسان ابتدا مرحله آموزش قرائت قرآن را طی کند و پس از مدت‌ها در فرصتی دیگر به تدبر پردازد.

طبق دعای امام صادق علیه‌السلام که پیش‌تر بیان گردید، تدبر باید جای خود را در متن قرائت پیدا کند نه بیرون یا بعد از آن. قرائت باید همراه با تدبر باشد. وقتی قرائتی فاقد تدبر باشد، دیگر هیچ جای دیگر نمی‌توان به دنبال تدبر گشت، اگرچه آداب و اصول فراوانی نیز برای تدبر به کار بندیم.

بنابراین باید فرایندهای آموزش قرآن را در راستای همراه کردن قرائت با تدبر اصلاح کرد؛ قرائت بدون تدبر و تدبر بدون قرائت هر دو به یک اندازه از سیره تعلیمی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام منحرف گشته‌اند؛ چه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره نحوه قرائت خود می‌فرماید: «أَجَل، أَنَا أَفْرُوهُ لِبَطْنٍ وَ أَنْتُمْ تَقْرَوْنَهُ لِظَهْرٍ، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا الْبَطْنُ؟ قَالَ: أَقْرَأُ أَتَدَبَّرُهُ وَ أَعْمَلُ بِمَا فِيهِ وَ تَقْرَوْنَهُ أَنْتُمْ هَكَذَا وَ أَشَارَ بِيَدِهِ فَأَمَرَهَا؛ پیامبر فرمودند قرائت من توأم با تدبر و عمل است که انسان را به بطن قرآن می‌رساند؛ اما شما می‌خوانید و با دستشان اشاره کردند که - می‌روید» (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۶۲۲).

نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گذشت:

۱. به نظر می‌رسد تجدید نظر در روش‌های کنونی آموزش قرآن که مبتنی بر آموزش مهارت‌های نوشتاری است، ضروری است؛ زیرا اولاً مخالف با سیره تعلیمی معصومان است و ثانیاً چنین الگوهایی در آموزش زبان منسوخ شده‌اند.

۲. الگوی پیشنهادی این مقاله برای آموزش قرآن، روش «ارتباطی» آموزش زبان است که بسیار نزدیک به سیره تعلیمی معصومان علیهم‌السلام است.
۳. مهم‌ترین ارکان روش «ارتباطی»، بهره‌گیری از مهارت شنیداری، تأکید بر معنای محوری و کاربردی آموزه‌ها در زندگی است که در سیره تعلیمی پیامبر و امامان علیهم‌السلام نیز بر این آنها بسیار تأکید شده است.



فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن حنبل، احمد. (بی تا). مسند. بیروت: دارصادر.
 ۲. ابن جزری، شمس الدین ابوالخیر محمد. (۱۳۵۱ق). غایة النهایة فی طبقات القراء. مكة المكرمة: مكتبة ابن تیمیة.
 ۳. بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۹۸۱م). صحیح. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ۴. ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۹۸۳م). سنن (محقق: عبدالوهاب عبداللطیف). بیروت: دار الفكر.
 ۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (بی تا). المستدرک علی الصحیحین. بی جا.
 ۶. خوش منش، ابوالفضل. (۱۳۸۹). حمل قرآن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۷. رجبی قدسی، محسن و همکاران. (۱۳۹۱). آموزش قرآن در سیره نبوی. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم. (بی تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ۹. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. قم: اسماعیلیان.
 ۱۰. متقی هندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 ۱۲. مسلم، ابوالحسین بن الحجاج القشیری النیسابوری. (بی تا). صحیح. بیروت: دارالفکر.
 ۱۳. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). الإختصاص. قم: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید.
 ۱۴. ناعمی، علی محمد. (۱۳۹۲). روان شناسی آموزش خواندن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
 ۱۵. نسائی، احمد بن شعیب. (۱۹۳۰م). سنن. بیروت: دارالفکر.
16. Brown, H. Douglas, Principles of Language Learning and Teaching. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall Regents: 1994.

17. Chang, Ming, "EFL teachers` attitudes toward communicative language teaching in Taiwanese college". *Asian EFL Journal Professional Teaching Articles*, vol. 53: 2011.
18. Cunningham, Cindy, Translation in the classroom.: A useful tool for second language Acquisition. Retrieved February 5, 2019 from <http://www.cels.bham.ac.uk/resources/essay/cindyc2.pdf>: 2000.
19. Gary, O. Judith, Delayed oral practice in initial stages of second language learning. In W. C. Ritchie (Ed.). *Second Language Acquisition Research: Issues and Implications*. New York: Academic Press: 1975.
20. Howatt, P. R. Anthony, *A History of English Language Teaching*. Oxford: Oxford University Press: 1984.
21. Kong, Na, "Establishing a comprehensive English teaching pattern combining the communicative teaching method and the grammar translation method". *English Language Teaching*, vol. 4: 2011.
22. Larson.Freeman, Diana, *Techniques and principles in Language teaching*. Oxford: OUP: 1986.
23. Nunan, David, Listening in language learning. In J. C. Richards and W. A. Renandya (Eds.). *Methodology in Language Teaching: An anthology of current practice*. Cambridge: Cambridge University Press: 2002.
24. Richards, C. Jack, *Communicative Language Teaching Today*. Cambridge: Cambridge University Press: 2006.
25. Vandergrift, Larry, "Facilitating second language listening comprehension: acquiring successful strategies". *ELT Journal*, vol. 53: 1999.

References

* The Holy Qur'an

1. Arousi Howeizi, A. (1415 AH). *Tafsir Nour al-Thaqalain*. Qom: Esmā'ilian. [In Arabic]
2. Brown, H. Douglas. (1994). *Principles of Language Learning and Teaching*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall Regents.
3. Bukhari, M. (1981). *Sahih*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
4. Cunningham, C. (2019). *Translation in the classroom.: A useful tool for second language Acquisition*. From: February 5, 2019 from [http://www.cels.bham.ac.uk/resources/essay/cindyc2 .pdf](http://www.cels.bham.ac.uk/resources/essay/cindyc2.pdf): 2000.
5. Gary, O. Judith. (1975). *Delayed oral practice in the initial stages of second language learning*. (Ritchie, W. C, Ed.). *Second Language Acquisition Research: Issues and Implications*. New York: Academic Press.
6. Hakem Neyshaburi, M. (n.d.). *Al-Mustadrak ala al-Sahihain*.
7. Howatt, P. R. A. (1984). *A History of English Language Teaching*. Oxford: Oxford University Press.
8. Ibn Hanbal, A. (n.d.). *Musnad*. Beirut: Dar Sader.
9. Ibn Jazari, Sh. (1351 AH). *Qayat al-Nahayah fi Tabaghat al-Qara'*. Makkah: Ibn Taymiyyah School. [In Arabic]
10. Khoshmanesh, A. (1389 AP). *Carrying the Quran*. Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]
11. Kong, N. (2011). "Establishing a comprehensive English teaching pattern combining the communicative teaching method and the grammar translation method". *English Language Teaching*, (4).
12. Larson-Freeman, D. (1986). *Techniques and principles in Language teaching*. Oxford: OUP.
13. Majlesi, M. B. (1403 AH). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]

14. Ming, C. (2011). "EFL teachers' attitudes toward communicative language teaching in Taiwanese college". *Asian EFL Journal Professional Teaching Articles*, vol. 53.
15. Mottaqi Hendi, A. (1409 AH). *Kanz al-A'amal fi Sonan al-Aqwal va al-Afal*. Beirut: AL-Risalah Institute. [In Arabic]
16. Mufid, M. (1413 AH). *Al-Ikhtisas*. Qom: Al-Mutamir al-Alami le al-Alfiyah al-Shaikh al-Mufid. [In Arabic]
17. Muslim, A. (n.d.). *Sahih*. Beirut: Dar al-Fikr.
18. Na'emi, A. M. (1392 AP). *Psychology of reading instruction*. Mashhad: Astan_e_Quds_e_Razavi Publications. [In Persian]
19. Nesa'ei, A. (1930). *traditions*. Beirut: Dar al-Fikr.
20. Nunan, D, *Listening in language learning*. (J. C. Richards., & W. A. Renandya Eds.). *Methodology in Language Teaching: An anthology of current practice*. Cambridge: Cambridge University Press.
21. Rajabi Ghodsi, M. et al. (1391 AP). *Teaching the Qur'an in the Prophetic style*. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. [In Persian]
22. Richards, C. J. (2006). *Communicative Language Teaching Today*. Cambridge: Cambridge University Press.
23. Termadi, M. (1983). *Sunan*. (Abdul Latif, A, Ed.). Beirut: Dar al-Fikr.
24. Vandergrift, L. (1999). "Facilitating second language listening comprehension: acquiring successful strategies". *ELT Journal*, (53).
25. Zarqani, M. (n.d.). *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.